

چرا از نقد می هراسیم؟

به بهانه اظهارات اخیر استاندار آذربایجان شرقی در مصئون دانستن دولت از نقد رسانه های تحت مدیریتِ کارمندان دولت



▪ اعتدال پرس/ یادداشت وارده از حامد عاطفی فر

انتقادپذیریِ مسئولان لازمِ خدمتگزاری شایسته به مردم است؛ در این میان توفیری ندارد رسانه منتقد توسط کارمند دولت اداره شود و یا دیگری عهده دار انداختن نرافکن های نقد بر پستوهای تاریک و گاه نمور مدیریتی باشد.

استاندار آذربایجان شرقی، پانزدهم بهمن امسال و در مراسم معارفِ مدیرکل جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، در سخنانی با اشاره به اینکه کارمندان دولت در رسانه هایشان هر چیزی می خواهند، می نویسند و دولت را تضعیف می کنند، ساماندهی فعالیت رسانه های آذربایجان شرقی را یکی از مطالبات جدی از مدیرکل جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی استان نام برده است.

این اظهارات، مترادف با باورمندی استاندار آذربایجان شرقی به مصون دانستن دولت و مسئولان دستگاه های دولتی از نقد رسانه های تحت مدیریتِ کارمندان دولت تعبیر شده است؛ گزاره ای که این سوال اساسی را به ذهن ها متبادر می کند که نقد عملکرد یک مدیر یا یک دستگاه دولتی توسط کارمند دولت در رسانه اش، با نقد رسانه ای که توسط غیرِ کارمند دولت انجام می شود، آیا ماهیتاً فرقی دارد؟ آیا این، نوعی کج فهمی از فضای نقّادی رسانه ای نیست که بر اساس آن کارمند دولت نمی تواند دولت را نقد کند؟ و بالاخره آیا از نقد -خواه از جانب کارمند دولت باشد و خواه دیگری- هراس داریم؟

واقعیتِ نخست این است که رسانه مجوّزدار تحت مدیریتِ یک کارمند دولت، بهر حال یک رسانه است و واقعیتِ دیگر این است که نقد، ذات رسانه به حساب می آید. اگر این واقعیت ها را بپذیریم که بر اساس منطق باید پذیرفت، همه، از جمله استاندار آذربایجان شرقی باید نقد را حق و رسانه ها قلمداد کنند و حتی از نقد رسانه ها استقبال کنند چراکه نقد رسانه ای به بهبود و اصلاح امور کمک می کند.

شوربختانه، اما آنچه اتفاق افتاده و به تازگی در کلام استاندار آذربایجان شرقی هم جاری شد، نموداری از نقدگریزی مسئولان است که می تواند زنگ خطری بزرگ برای فعالیت آزاد رسانه ها باشد.

در نگاهی خوش بینانه به اظهارات استاندار آذربایجان شرقی نیز، باز خلاء رفتارهای ارتباطی درست به چشم می خورد. بیایید فرض کنیم که منظور «محمدرضا پورمحمدی» این بوده که عملکرد او در رأس مدیریت اجرایی استان و عملکرد دستگاه های دولتی به قدری خوب است که جایی برای نقد رسانه ها باقی نمی ماند و منتقدان - چه کارمندان دولت و چه دیگران - بی جهت دست به نقد رسانه ای می زنند. با صحیح دانستن این فرضیه، این سوال به وجود می آید که رسانه ها و مردم چگونه از این عملکرد خوب و بی نقص آگاه شوند، در حالی که مصادیق این عملکرد خوب در دفتر کار استاندار حبس شده یا فقط مدیران اداری از آنها خبردار هستند؟ آیا راه انتقال دستاوردها و نشان دادن عملکرد خوب، کانالی به غیر از کانال رسانه هاست؟ و آیا مجموعه ای که این عملکردها و این دستاوردها را به رسانه ها منتقل می کند، غیر از روابط عمومی است؟

درنگی بر این سوالات که از ضعف عملکرد روابط عمومی استانداری و روابط عمومی سایر دستگاه های دولتی حکایت دارد، نشان می دهد که خانه از پای بست ویران است و باید علاوه بر تجدیدنظر در رویکردهای مدیریتی، بازبینی رفتارهای ارتباطی هم در دستور کار قرار گیرد.

رسانه ها رکن چهارم اداره جامعه هستند و ایفای نقش نظارتی و دیده بانی اجتماعی یکی از مهم ترین رسالت های آن هاست. در زمانه ای که به استناد اظهارات خود مقام های مسئول، عنصری به نام سرمایه اجتماعی روز به روز در حال از بین رفتن است، ایراد صحبت هایی که نشانه هایی از نقدگریزی مسئولان دولتی را در خود دارد و بدتر از آن حاوی پیام خطرناک مصون پنداری دولت از نقّادی رسانه هاست، سرعت اضمحلال سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را بیشتر خواهد کرد.

همه مسئولان در رده های مختلف، باید باور کنند که شأن خدمت به مردم بالاترین افتخارها و شأن هاست و انتقادپذیری در قبال رسانه های منتقد لازم^۱ ادای شایسته^۲ این افتخار است؛ در این میان توفیری ندارد رسانه^۳ منتقد توسط کارمند دولت اداره شود و یا دیگری عهده دار انداختن نورا فکن های نقد بر پستوهای تاریک و گاه نمودار مدیریتی باشد.

حامد عاطفی فر

روزنامه نگار و کارشناس ارشد علوم ارتباطات